

یادداشت

نقش بی بدلیل تشکلهای در پیروزی جنبش های انقلابی

صادق کار



نیروهای سرکوبگر رژیم با بازداشت‌های گسترده و استقرار در خیابانها و انواع تهدیدات توانستند حضور خیابانی مردم در سالگرد قتل ژینا و جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی را محدود کنند. اما نتوانستند مانع اعتصاب عمومی اعلام شده توسط احزاب کرد در کردستان شوند. همچنین دامنه اعتراضات خیابانی با وجود حضور فوق العاده نظامیان و حرکت نیروی زمینی سپاه با تدارکات نظامی جنگی و تبلیغات شدیدی که از طرف رژیم علیه مردم کردستان از چند هفته پیش تر در جریان بود، گسترده تر از مناطق دیگر بود.

موقعیت منحصر به فرد کردستان علاوه بر دیرپایی سنت مبارزاتی تشکل یافتگی مردم بود. کما اینکه طی یک سال گذشته دو اعتصاب عمومی دیگر به درخواست احزاب کرد با استقبال مردم مواجه شده بود و با موفقیت انجام شد.

این واقعه اهمیت تشکل حزبی و مدنی را بیش از پیش برجسته کرد و نشان داد مبارزه خیابانی و مبارزه سازمانی لازم و ملزوم هم هستند و خصوصا زمانی که خیابانها توسط نیروهای سرکوبگر به اشغال در می آیند و مانع جدی بر سر راه حضور خیابانی وسیع مردم بوجود می آورند، تشکلهای می توانند حضور موثر مردم را با دعوت به اعتصاب و نافرمانی با هزینه کمتری تامین کنند.

تجربیات متعدد از جمله تجربیات یک ساله اخیر نشان داده‌اند که با حضور صرف خیابانی نمی شود جنبشی و انقلابی را به نتیجه رساند. شبکه های مجازی و اجتماعی می توانند با شرط و شروطی به خیابان بکشند، اما اگر متکی به تشکیلات واقعی نباشند، قادر به هدایت حضور خیابانی مردم بسوی هدف نیستند. کما اینکه در تجربه اعتراضات یک سال گذشته دیدیم فراخوانهایی که از طرف نهادهای مدنی برای تظاهرات داده شد، گسترده تر، سازمانیافته تر و منظم تر، از بقیه بودند. بهمین خاطر تمرکز سرکوب رژیم روی تشکلهای بیشتر و مجازاتی که برای آنها در نظر گرفته شد شدیدتر بود. رژیم راحتتر می تواند تظاهرات



خود بخودی را که توسط تشکلهای سازماندهی نشده‌اند و دارای برنامه و نقشه راه نیستند تار و مار کند، اما برایش تار و مار کردن اعتراضاتی که توسط تشکلهای سیاسی، مدنی و سندیکایی سازماندهی می‌شوند دشوارتر است. از آن گذشته چون موجودیت نهاد سازمان دهنده محفوظ است، امکان برگزاری مکرر تظاهرات نیز بیشتر است.

کردستان یک نمونه است. در آنجا نه تنها از لحاظ حزبی و سیاسی مردم سازمانیافته تر هستند، از لحاظ فعالیتهای سندیکایی و مدنی، محیط زیست و غیره نیز کردستان وضعیت مطلوبتری از سایر نقاط کشور دارد. معلمان نمونه دیگری هستند که بواسطه داشتن تشکل سراسری باوجود سرکوبهای گسترده علیه رهبران آن و غیر قانونی کردن فعالیت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و سایر تشکلهای لحظه‌ای از حرکت و پویایی باز نمانده‌اند و رژیم با همه اقدامات سرکوبگرانه و بازداشت چند رده از رهبران و کادرهای آنها نتوانسته جلوی فعالیت شان را بگیرد. انقلاب مصر در بهار عربی سرکوب شد چون کمتر متکی به تشکلهای مردم نهاد جدی بود و رهبری آن در فقدان تشکلهای نیرومند سندیکایی و مدنی و حزبی به دست اخوان المسلم افتاد. در تونس انقلاب به نتیجه رسید چون مردم متشکلتر و سازمانیافته تر بودند و سندیکاهای کارگری هم در سازماندهی اعتراضات و اعتصابات و هم در جلوگیری از ایجاد انشقاق نقش برجسته‌ای داشتند.

نقش احزاب و اتحادیه‌ها فقط برای سرنگون کردن رژیم‌های مستبد نیست که اهمیت اولی دارد، برای پروسه گذار جامعه به دموکراسی و عدالت اجتماعی بعد از سرنگونی وجود تشکلهای سیاسی، سندیکایی و مدنی الزامی است.

قطعا یکی از دلایل عمده افتادن رهبری انقلاب بهمن به دست خمینی و مرتجعین و بلایی که بعد از انقلاب بر سر مردم آمد، نبود تشکلهای سیاسی و مدنی واقعی در اثر سرکوب تشکلهای در قبل و بعد از ۵۷ بود.

اکنون نیز به نتیجه رسیدن جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، مستلزم سازماندهی و متشکل کردن مردم در احزاب، اتحادیه‌ها و نهادهای مدنی مختلف در حد و اندازه‌ای است که بتوانند با اعلام و عملی کردن اعتصاب عمومی کار رژیم مستبد، فاسد و عدالت ستیز را یکسره کنند و مانع از سیطره نوع دیگری از استبداد بر جامعه شوند.

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دموکراتیک و مترقی آن حمایت می‌کنیم!

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران
و مزد و حقوق بگیران!**



نقش حمایت اجتماعی در امحای کار کودک بخش سوم
گزارش مشترک سازمان بین المللی کار و سازمان یونسف

چند آمار جهانی

- یک و نیم میلیارد کودک تا ۱۴ ساله از هیچ گونه حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.
- ۷۱ میلیون مادر دارای کودک نوزاد از هیچ گونه مساعده حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.
- تنها یک سوم جمعیت به سن کار قانوناً از حمایت مربوط به بیماری برخوردار است.
- ۱۷۹ میلیون بیکار فاقد حق تأمین در زمان بیکاری اند.
- ۱۵۰ میلیون معلول از هیچ حمایت متوجه معلولان برخوردار نیستند.
- ۱۶۴ میلیون سالمند از هرگونه درآمد بازنشستگی محروم اند.
- ۲/۷ میلیارد انسان از هرگونه حمایت ناظر بر سلامت برخوردار نیستند.

سمتگیریها در کار کودک و حمایت اجتماعی ۱.

کار کودکان - ادامه 1.1

شیوع کار کودکان پس از کووید-19

خسارات اقتصادی و شوکهای سلامتی که خانوارها پس از شیوع کووید-19 تجربه کردند، خطر کار کودکان را به طور قابل توجهی افزایش دادند. تعطیلی طولانی مدارس موجب خطر مضافی بود.

داده‌های حاصل از نظرسنجیها کاهش سریع حضور کودکان در فعالیتهای اقتصادی را در آغاز همه‌گیری نشان می‌دادند؛ امری که ناشی از کاهش کلی فعالیتهای اقتصادی مرتبط با قرنطینه و تأثیر آن بر کار کودکان بود. با این حال، در برخی از خانواده‌ها که قرنطینه منجر به کاهش درآمد شده بود، کودکان ناگزیر به انجام کار بیشتری شدند. شهادت ۸۱ کودک از کشورهای غنا، نیپال و اوگاندا نشان داد که آنها مجبور بودند برای به دست آوردن غذا کار کنند، زیرا خانواده‌های آنان دیگر قوت لایموت هم نداشتند. گزارش سال ۲۰۲۱ سازمان دیده بان حقوق بشر تصریح دارد که "در نگاهی کلی، کودکانی که قبل از بحران کووید کار می‌کردند، پس از آن، ناگزیر به کار در اوقات طولانیتری پس از تعطیلی مدارس شدند".

چند آمار جهانی

- یک و نیم میلیارد کودک تا ۱۴ ساله از هیچ گونه حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.
- ۷۱ میلیون مادر دارای کودک نوزاد از هیچ گونه مساعده حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.
- تنها یک سوم جمعیت به سن کار قانوناً از حمایت مربوط به بیماری برخوردار است.
- ۱۷۹ میلیون بیکار فاقد حق تأمین در زمان بیکاری اند.
- ۱۵۰ میلیون معلول از هیچ حمایت متوجه معلولان برخوردار نیستند.
- ۱۶۴ میلیون سالمند از هرگونه درآمد بازنشستگی محروم اند.
- ۲/۷ میلیارد انسان از هرگونه حمایت ناظر بر سلامت برخوردار نیستند.



شهادت کودکان با آمارهای اخیر مربوط به اوگاندا مطابقت کامل دارد و نشان می‌دهد که شیوع کار کودکان در دوران کووید-۱۹ از ۲۱ درصد به ۳۶ درصد افزایش یافته بوده است. تحقیقی در ۲۶۳ جماعت در ساحل عاج نیز حاکی از افزایش قابل توجه کار کودکان در مزارع کاکائو در فاصله بین ژوئیه تا سپتامبر ۲۰۲۰ (در مقایسه با دوره مشابه در سال پیش از آن) است. در مصر، کودکان بیشتری به کار در مزارع پنبه و سایر کارهای کشاورزی ناگزیر شدند. در اکوادور و برزیل نیز شیوع حضور کودکان در فعالیتهای اقتصادی پس از شروع همه‌گیری افزایش یافت.

آن در پهنه جهانی از سمتگیریهای کار کودکان، (simulation) "نتایج گزارش شده در بالا، با "شبه سازی که در سال ۲۰۲۱ توسط سازمان بین‌المللی کار و یونیسف صورت گرفته است، نشان می‌دهد که هر کاهش احتمالی در کار کودکان به علت پایان بحران کووید-۱۹ با افزایش مجدد شیوع کار کودکان به دلیل تشدید فقر به مرور زمان خنثی خواهد شد.

حمایت اجتماعی 1.2

وضعیت حمایت اجتماعی در سراسر جهان

علیرغم پیشرفت‌هایی که در سالهای اخیر در پوشش حمایت اجتماعی صورت گرفته، این پوشش ابداً کافی نبوده است. از سال ۲۰۲۰ و قبل از کووید-۱۹، تنها ۴۶.۹ درصد از جمعیت جهان عملاً تحت پوشش حداقل یک مساعده حمایت اجتماعی قرار داشتند، در حالی که بخش باقی مانده - بالغ بر ۴.۱ میلیارد نفر - کاملاً بدون هرگونه حمایتی به حال خود رها شده‌اند. پشت این میانگین جهانی، نابرابریهای قابل توجهی در بین مناطق [جهانی] و در درون هر منطقه وجود دارند: نرخ پوشش ۵۶.۳ درصد در امریکای لاتین و کارائیب، ۴۴.۱ درصد در آسیا و اقیانوسیه و فقط ۱۷.۴ درصد در آفریقا.

تنها ۲۶.۴ درصد از کودکان در سراسر جهان از یک مساعده حمایت اجتماعی برخوردار می‌شوند. علیرغم برخی پیشرفت‌های مهم در گسترش حمایت اجتماعی از کودکان در دهه‌های اخیر، اکثریت قریب به اتفاق کودکان (۷۳.۶ درصد از کودکان ۰-۱۴ ساله که تعداد قابل توجهی از آنها باید کار کنند) هیچ کمک نقدی مربوط به کودکان یا خانواده دریافت نمی‌کنند. پوشش مؤثر به ویژه در آسیا و اقیانوسیه (۱۸ درصد) و آفریقا (۱۲.۶ درصد) بسیار پایین است.

مبارزه متحدانه برای توقف اعدام‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!



خروج از "گرداب رکود" با منجمد کردن دستمزد نا محتمل است

صادق



روزنامه جهان صنعت روز گذشته نتیجه یک بررسی راجع به رکود در بخش صنعت را که توسط کارشناسان اتاق بازرگانی تهیه شده منتشر کرد. در این بررسی که با عنوان "صنعت در گرداب رکود تورمی" منتشر شده کارشناسان این شکل کارفرمایی با استناد به آمار و ارقام مربوطه به علل رکود تورمی پرداخته و دلایل آن را از منظر منافع گروهی خود برشمردند و خواستار رفع آنها شده‌اند. در مواردی از این مجموعه البته گله و شکایت آنها از دولت و سیاستهای آن کلا بی جا نیست. اما در یکی از موارد بررسی آنها به کاهش تقاضای بعنوان یکی از دلایل رکود اشاره می کنند که اگر چه اشاره درست و بجایی است اما به علت آن اشاره‌ای نمی کنند

"در قسمتی از بررسی می نویسند

گروه صنعت- تولید و فروش کاهشی، قیمت افزایشی؛ این آخرین وضعیت شرکت‌های صنعتی براساس عملکرد رشته فعالیت‌های مختلف بوده است. بررسی پایش بخش حقیقی اقتصاد ایران (با بررسی ۳۱۶ شرکت بورسی) در مرداد ۱۴۰۲ نشان‌دهنده افت ۸/۵ و ۱۱ درصدی شاخص تولید و فروش شرکت‌های صنعتی بورسی در مردادماه نسبت به ماه قبل است. با توجه به پویایی و رشد قابل‌اعتنای قیمت تمام‌شده تولید آیا باید شاهد رکود تورمی خواهیم بود؟ در یک گزارش منتشرشده از سوی بازوی پژوهشی وزارت صمت تاکید شده است افزایش فشارهای ناشی از کاهش تقاضای موثر بر محصولات صنعتی به واسطه ... کوچک شدن بازار داخل به عنوان نقطه اتکای اصلی

تهیه کنندگان گزارش، کاهش تقاضا را از علل رکود تورمی عنوان می کنند. تا اینجا حرف نامربوطی زده نشده، اما مگر نه این است که بالا و پائین رفتن تقاضا رابطه مستقیمی با قدرت خرید مردم دارد؟ و مگر نه این است که کسبه نیز بارها از کاهش شدید فروش کالاهای خود و بعضا از نصف شدن، آن گله و شکایت



کرده‌اند؟ رکود از قبل هم محرز بود و تکرار آن تازگی ندارد. آنچه در گزارش نا گفته مانده است درز گرفتن نقش خود صاحبان موسسات صنعتی و اتاق بازرگانی در ایجاد فقر و رکود است.

اتاق بازرگانی بطور مستقیم و غیر مستقیم در تدوین سیاستهای راهبردی حکومت و تدوین آنها همواره نقش داشته و دارد. کمتر نهاد حکومتی را می توان یافت که نمایندگان حامیان اتاق در آن حضور و نقش مهمی نداشته باشند. سیاست منجمد کردن دستمزدها، تغییرات متعدد در قوانین کار و تأمین اجتماعی به نفع صاحبان قدرت و سرمایه و حمایت از سرکوب تشکلهای کارگری، از نتایج حضور و نفوذ آنان در نهادهای حکومتی خرد و کلان است.

اتاق بازرگانی یکی از حامیان دولت رئیسی است و تشکلی است که رئیسی تبلیغات انتخاباتی خود را با حضور در جمع رهبران وقت اتاق شروع کرد و وعده‌هایی به آنان داد که برایش هورا کشیدند. رئیسی بخش زیادی از خواسته‌های وعده داده شده به روسای اتاق بازرگانی را تا آنجا که شرایط بحرانی رژیم راه می داد عملی کرد. حالا اما اگر گاهای اتاق بازرگانی با برخی سیاستهای دولت مخالفت می کند، بواسطه این است که دولت نه اینکه نخواهد، بلکه امکان انجام همه ی خواسته‌های آنها را ندارد. با این وجود آنها به رغم نارضایتی از این موضوع همچنان از رژیم سرکوبگر حمایت می کنند و در مقابل سرکوب جنبش انقلابی مهر سکوت بر لب زده و حتی بعضی از ذینفوذان پیشکسوت اتاق مثل بادامچیان رئیس حزب موتلفه آشکارا از سرکوب مردم حمایت می کنند. بنا بر این اختلافات آنها با حکومت ربطی به مردم و مطالبات شان ندارد بلکه بر سر گرفتن امتیاز بیشتر است.

مثلی هست که در مورد اشخاصی بکار می برند، که همه چیز را یکجا برای خودش می خواهد. می گویند طرف (خر و خرما را یکجا می خواهد). حالا حکایت کارشناسان اتاق بازرگانی است که هنگام تعیین دستمزد میلیونها کارگر با دولت همدست می شوند تا دستمزدها را زیر خط فقر منجمد کنند و آنقدر به کارگر مزد می دهند که به زور بتواند نان خانواده‌اش را تأمین کنند، در همان حال خودشان قیمت محصولات شان را لحظه به لحظه با افزایش تورم بالا می برند و از کاهش متقاضی و رکود هم ناله و شکایت می کنند! همین دو سه هفته پیش بود که یکی از آنها طرح طبقه بندی مشاغل را که در قانون کار آمده بواسطه اینکه مزاحم دادن دستمزد کارگرساده به کارگر فنی و متخص و چندر غاز دستمزد بیشتر به کارگر می شود را کمونیستی خواند و آرزوی برداشتن آن از قانون کار را کرد.

همه ی سرمایه داران سعی می کنند دستمزد و حقوق کمتری به کارگر بدهند، اما خیلی ها که مانند سرمایه داران نو کیسه بعد انقلاب از طریق رانت یکشبه راه صد ساله ثروتمند شدن را نیپموده‌اند، حداقل آنقدر می فهمند که کاهش دستمزد روی تولید و فروش اثر منفی می گذارد و بخشا می تواند به زیان خود آنها تمام شود و شورش‌هایی را به بار آورد که باعث برچیدن بساط خود آنها گردد.

مشتری و مصرف کننده یا به اصطلاح خودشان متقاضی پاشنه آشیل اقتصاد سرمایه داری است. اگر مشتری نباشد خبری از سود و ثروت هم نیست و این دیگر موضوعی نیست که با سپاه سرکوب و حذف قوانین بشود جلوی آنرا گرفت. اگر اردوغان دو بار بیپای دستمزد کارگران را بالا برد، از روی نادانی او و یا محبت به کارگران نبود. بخاطر چرخیدن چرخ اقتصاد کشورش و جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگری و تبدیل آن به شورش علیه صاحبان ثروت و قدرت و از دادن هزینه بیشتر بود. و اگر دستمزد کارگران کشورهای منطقه تا دو برابر کارگران ایرانی است، از روی جهل سرمایه داران آنها و زرنگی سرمایه داران ایرانی نیست. نگاهی هست که برای بازار مصرف داخلی ارزش چندانی قائل نیست و تصور می کند با صدور کالا به کشورهای دیگر می تواند سود بیشتری کسب کند و دستمزد کمتری بدهد. در حال حاضر به غیر از اینکه بواسطه تحریم و محدودیت‌های ناشی از آن و رقابت شدیدی که در بازار وجود دارد، چنین امکانی محدود است چنین تصویری نادرست است، این تصور باطل است، این فکر نمی تواند درک کند که نفوذ در بازارهای خارجی بخشا نیازمند بالا بردن کیفیت کالاهای تولیدی و جلب رضایت کارگر و تأمین



نیازهای زندگی او با دستمزدی است که به کارگر باید پرداخت شود. بهمین خاطر است وقتی که با کاهش متقاضی روبه رو می شوند، بازهم حاضر به تغییر رویه خود نمی شوند.

بر خلاف سرمایه داران بزرگ اکثر کسبه که مستقیماً همه روزه بی واسطه با مردم و مشتری سروکار دارند، و می بینند که فروش و درآمدشان تقلیل پیدا کرده، از افزایش دستمزد و حقوق و قدرت خرید مردم دفاع می کنند و می فهمند که بین افزایش قدرت خرید مردم و گردش کسب و کارشان رابطه مستقیمی وجود دارد و سیاست منجمد سازی دستمزدها و حقوق ها را بر خلاف کارفرمایان بزرگ و رانتی به سود خود نمی بینند. بیشترین فشارهای حکومتی نیز نه به سرمایه داران بزرگ بلکه به خرده پاهایی وارد می شود که عموماً متکی به خود هستند و رانت دولتی به آنها تعلق نمی گیرد.

رکود اقتصادی مادامی که قدرت خرید مردم پائین و سطح دستمزدها زیر خط فقر قرار داشته باشد و تحریم و محدودیت های مرتبط با آن از سر راه صادرات برداشته نشده باشد، ادامه خواهد داشت. صاحبان واحدهای بزرگ تولیدی، اعم از خصوصی، خصولتی و دولتی، اگر بفکر مشتری و متقاضی برای کالاهای خود هستند، لاجرم باید با افزایش حقوق و دستمزد با کاهش متقاضی و رکود مقابله کنند. کشور صادر کننده بزرگی چون چین هم در سالهای اخیر برای جلوگیری از رکود به افزایش دستمزد و تقویت قدرت خرید مردم روی آورده است.

از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه ای و علیه قراردادهای موقت تحمیلی حمایت می کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



صادق



خبرگزاری تسنیم یکی از رسانه های امنیتی مدافع سرکوب و سیاستهای عدالت ستیزانه حکومت که خود در ایجاد فقر و فلاکت و بی عدالتی نقش غیر قابل کتمان بازی کرده و می کند روز گذشته ظاهراً به بهانه آغاز سال تحصیلی جدید مصاحبه ای با (علی امرایی عضو کمیسیون آموزش دیده بان شفافیت و عدالت) انجام داده است. در این مصاحبه که با عنوان

"پایین شهر و بالای شهر آموزش/ کجا درس می خوانی؟ فعلاً «متأسفانه» مدرسه دولتی"

منتشر شد، خبرنگار پس از اشاراتی به وضعیت تبعیض آمیز و ناهنجار و نتایج آن در مدارس دولتی و مقایسه آنها با مدارس خصوصی یا بقول تسنیم "انتفاعی" و به تفاوت ژرفی که بین نقرات برتر کنکور درس خوانده ها در مدارس خصوصی با دولتی وجود دارد می نویسد

اگر به خصوص در منطقه ای محروم باشید احتمالاً خواهید دید. نتایجی که هر ساله از رتبه های برتر و "قبولی های کنکور سراسری منتشر می شود بذر ناامیدی را در فکر دانش آموزان مدارس دولتی می کارد. سال ۱۴۰۱، ۸۵ درصد از رتبه های زیر ۳ هزار در تصاحب مدارس غیردولتی بوده و سهم مدارس دولتی که بخش قابل توجهی از دانش آموزان ما در آن تحصیل می کنند فقط ۱۵ درصد بوده است که این سهم در کنکور "سال ۱۴۰۲ به ۸ درصد رسیده است"

این آمار البته بخش کوچکی از واقعیت است که به تنهایی بر طبقاتی شدن فزاینده امر آموزش بر اثر خصوصی سازی مدارس در رژیم دلالت دارد. آمارهای هولناک دیگری هم مانند، جا ماندن صدها هزار کودک از تحصیل و ترک تحصیل هر ساله شمار کثیری از دانش آموزان در مقاطع تحصیلی پیش از دیپلم وجود دارد. که خبرنگار تسنیم به دلایلی که چندان پوشیده نیست از کنار آنها عبور می کند

علی امرایی در پاسخ به یکی از سوالات خبرنگار که نظر وی راجع به اظهارات برخی مسئولینی مبنی بر داشتن حق انتخاب آزاد مدرسه توسط خانواده دانش آموزان را مطرح می کنند، حق انتخاب را با توجه به شهریه بالای مدارس خصوصی و ناتوانی خانواده هایی که توان پرداخت شهریه های سنگین را ندارند رد کرد. وی در پاسخ به سوال "راه کار چیست"، خبرنگار راه کاری ارائه می دهد، که نه مشکل گشاست و نه در رژیم کنونی امکان عملی دارد و معلوم می کند که خودش نیز به مانند خبرگزاری حکومتی تسنیم حاضر



نیست به ریشه بحران که خصوصی سازی آموزش و فقر خانواده‌ها و نقش رژیم در آن ست بپردازد و می گوید:

مدارس غیرانتفاعی محل تجمع افراد پولدار است و باید از این انحصار خارج شود یعنی آموزش و پرورش " این مدارس را مکلف کند که هر ساله سهمیه‌ای برای دانش‌آموزان دهک‌های 1 تا 3 در نظر بگیرند و اقدام به ثبت‌نام آنان کنند تا آن وقت از حالت خصوصی به عمومی تغییر پیدا کند عمومی‌سازی آموزش مدارس غیرانتفاعی یعنی ورود دانش‌آموزان هم از خانواده‌های بی‌بضاعت و هم از خانواده‌های ثروتمند و تحصیل این دو قشر کنار هم، کنار این اتفاق باید مدارس دولتی ما هم تقویت شود و به جای گسترش و توسعه مدارس خاص به روی ارتقای سطح مدارس دولتی تمرکز شود تا دانش‌آموزان نخبه و تیزهوش ما به سمت مدارس "دولتی بیایند"

خبرگزاری تسنیم هم فهمیده سراغ چه کسی باید برود که پاسخ مد نظر خود را بگیرد. کسی که با خصوصی سازی مدارس و آموزش مخالفتی نداشته باشد و به دولت تحت حمایت تسنیم و اساس سیاست‌هایی که باعث طبقاتی شدن آموزش و فقر عمومی در جامعه شده است ورود نکند

تسنیم در مقدمه مصاحبه به کاهش سهم مدارس دولتی از رتبه‌های بالا کنکور از ۱۵ درصد به ۸ درصد در سال ۱۴۰۲ یعنی در زمان دولت مدعی عدالت رئیسی، دولتی که تسنیم تا حد قتل عام مردم و پرکردن زندان‌ها از آزادی خواهان و مبارزان عدالت اجتماعی از آن پشتیبانی می کند، اتفاق افتاده است. بنا بر این می توان نتیجه گرفت که این مصاحبه بخشی از پروپاگاندی حمایتی تسنیم از این وضعیت و برای این است که بگوید گویا نسبت به فقر روزافزون و طبقاتی شدن فزاینده آموزش که با هدف تضمین سلطه آقازادگان در حال و آینده است، بی تفاوت نیست. مبارزه واقعی با طبقاتی شدن آموزش را از ابتدا تشکلهای صنفی فرهنگیان بودند که شروع و نسبت به پیامدهای خصوصی سازی آموزش هشدار می دادند و در عمل بعنوان یکی از مطالبات خود برای آن مبارزه کرده‌اند. رهبران این تشکلهای سالهاست توسط نیروهای سرکوبگری که خبرگزاری تسنیم یکی از مدافعان و سخنگویان آنهاست سرکوب و زندانی شده‌اند. هزینه آموزش "رایگان" که مدت‌هاست دیگر هم رایگان نیست، صرف دستگاه سرکوب که تسنیم نیز جزئی از آن است می شود. دستگاهی جهنمی که حتی در دفاع از وضع موجود از حملات شیمیایی به مدارس دخترانه دولتی در مدارس نیمه مخروبه در مناطق فقیر برای فرونشاندن اعتراض به حق شان که حتمی یکی از آنها همین تبعیض و شکاف طبقاتی است، دریغ نکردند

راه کار واقعی رفع طبقاتی شدن مدارس و آموزش، توقف بی درنگ خصوصی سازی، اجرای کامل قانون آموزش رایگان، قطع کمک های دولتی به مدارس خصوصی اشرافی، افزایش بودجه آموزش و پرورش، ارتقای کیفیت آموزش و تجهیز مدارس به امکانات آموزشی با کیفیت، تامین رفا، امنیت و کرامت معلمان، پایان دادن به سرکوب معلمان و دانش آموزان، آزادی معلمان و دانش آموزان زندانی و رفع فقر گسترده خانواده‌های دانش آموزان است. اموری که خبرگزاری تسنیم و کل رژیم ارتجاعی و عدالت ستیز و تبعیض آفرین رژیم نشان داده اند بطور داوطلبانه به هیچ یک از آنها تن نخواهند داد و خود مردم و جنبش انقلابی است که می توانند با پیروزی بر رژیم شرایط لازم برای خلاصی از این فجایع ویرانگر را فراهم کنند





رسندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نکاتی در رابطه با خیزش زن زندگی آزادی و مواضع سندیکا در این خصوص قتل ژینا (مهسا) امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغازگر خیزش سراسری زن زندگی آزادی در سراسر کشور شد، اما نارضایتی گسترده از شرایط موجود و چهاردهه برخوردهای خشونت بار نسبت به مطالبات مردم و بویژه سرکوب حقوق زنان، جوانان، کارگران و مردم تحت ستم بویژه در مناطق محروم شده کشور، پیش زمینه این اعتراضات بود.

خیزش شهریور ۱۴۰۱ با وجود تفاوت‌های متعدد از جمله در شعارها و نیز پیش قراولی زنان و نسل جوان کشور، همچنان در دنباله خیزشهای مردم محروم، تهیدست و تحت ستم در سالهای اخیر از جمله در دی ۹۶، آبان ۹۸ و تیر ۱۴۰۰ صورت گرفت. با اینوجود، این واقعیتی انکار ناپذیر است که جان باختن ژینا (مهسا) امینی در بازداشت گشت ارشاد و بدنال آن خیزش زن زندگی آزادی صحنه سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی کشور را کاملاً دگرگون کرد. این خیزش تنها علیه حجاب اجباری و گشت ارشاد نبود و برای برابری زن و مرد در تمامی عرصه‌ها و همچنین برای آزادی و عدالت و پایان دادن به هرگونه ظلم و ستم است که کماکان دغدغه اصلی و به سرانجام نرسیده ی اکثریت مردم محروم کشور است.

برای چندین ماه جوانان ما در دانشگاهها، مدارس و در خیابانها و محلات برای برقراری آزادی و برابری، و با به خطر انداختن جان عزیز خود، در حال اعتراض بودند. از اقصی نقاط کشور از بلوچستان، کردستان، گیلان و مازندران تا تهران، آذربایجان، خوزستان و لرستان صدها معترض به قتل رسید، هزاران نفر زخمی شدند و بیش از ۲۲ هزار نفر بازداشت شدند. در میان جان باختگان این اعتراضات، اسامی و چهره های بیش از ۷۰ کودک و نوجوان به چشم میخورد.

کارگران و بخصوص فرزندان خانواده های کارگری، از جمله دانش آموزان و دانشجویان، در این اعتراضات سراسری حضور چشمگیر داشتند. جوانان کشته شده در اعتراضات و آنهایی که با اتهامات نخ نما و تحت اعترافات اجباری به اعدام محکوم شدند خودکارگر و زحمتکش بودند.

همچنین در این مدت کارگران بسیاری به دلیل حمایت از اعتراضات سراسری مردم بازداشت و اذیت و آزار شدند و بسیاری از آنها اخراج گردیدند. فعالین کارگری و معلمی و صنفی متعددی در این مدت احضار، بازداشت و تهدید شدند.

حاکمیت و تمام اجزای آن در قبال این سرکوبها و جنایات مسئول مستقیم بوده و هستند. در روزهای اخیر حکومت جو سنگین تر امنیتی در کشور برقرار کرده بود و بار دیگر نشان داد که اگر سیاستهای مبتنی بر سرکوب و ایجاد رعب و وحشت و بگیر و ببند حاکم نبود مردم بصورت میلیونی در خیابانها می بودند اما با وجود این فضای خفقان آور و امنیتی و در عین حال گسترش فقر و بی عدالتی و غارت اموال عمومی چکار باید کرد؟ اول اینکه ما کارگران و تشکلات کارگری و طبقاتی در تغییر شرایط کنونی نقشی بنیانی می توانیم داشته باشیم. ما کارگران میدانیم و یاد گرفته ایم که میانبرهای عجیب و غریبی وجود ندارد و اینکه تکیه به خود و استقلال ما از تمام جریانات ضدکارگری در داخل و خارج کشور حیاتی است. در عین حال، نکته بسیار مهمی که امیدواریم همه همکاران و هم طبقه ایهای ما بدان توجه داشته باشند این است که سرنوشت جنبش کارگری از سرنوشت دیگر جنبشهای عدالت طلبانه همچون جنبش زنان و جنبش دانشجویی جدا نیست. ما ضمن حمایت از جنبش زن، زندگی، آزادی و باور به اینکه رهایی همه جانبه زنان یکی از معیارهای اساسی در جهت رهایی دیگر گروههای اجتماعی و تحت ستم است، اما معتقدیم این رهایی در مناسبات کنونی، به تنهایی در خیابان و بدون دخالت حداکثری و متشکل کلیت طبقه کارگر ممکن از کلیت طبقه کارگر منظورمان همه ما کارگران و خانواده‌های کارگری و زحمتکش، بعنوان اکثریت، نیست مطلق جامعه [ضمن تکرر و تنوعات منطقه‌ای، ملیتی، جنسی و جنسیتی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، سنی، صنفی و بخشی و شغلی (صنعتی، کشاورزی، خدماتی، آموزشی، بهداشتی و غیره)]، می باشد.

ما بعنوان بخش کوچکی از طبقه کارگر کشور و از اولین تشکلات مستقل کارگری در دو دهه اخیر، از بدو تشکیل روزی را بدون مواجهه با کنترل و سرکوب نگذرانده ایم. با اینوجود، کماکان بر اهمیت انواع تشکل در محیطهای کار و زندگی و در سطح سراسری تاکید میکنیم. این را قبلاً گفتیم و باز هم تاکید میکنیم که طبقه کارگر با اتحاد، تشکل و استقلال قدرت میگیرد و بدون آن گوشت دمرتوپ طبقات دارا و حاکمان میشود.

حاکمیت نیز همین را خوب میداند و با تمام توان نیروهای سرکوبگرش را برای جلوگیری از ایجاد تشکلات مستقل و سراسری کارگری به کار برده است که کارگر نه امنیت شغلی، تامین اقتصادی و اجتماعی



داشته باشد و نه قدرت ایجاد تشکل. اندک تشکلهای مستقل کارگری موجود در کشور، از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد و تشکلات معلمان، با صدها مورد بازداشت و تهدید دائمی نمایندگان و فعالانشان در تمام این سالها مواجه بوده

، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

در عین حال، تشکلات دولتی همچون شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر تمام قد در تحکیم نظام (↑) سرمایه داری ضدکارگر موجود که در آن ذینفعند با تمام امکاناتی که حاکمیت در اختیارشان گذاشته، بطور همه جانبه مشغول به کنترل کارگران هستند

اینجا باز هم تاکید میکنیم که این فرزندان خانواده های کارگری، مزدبگیر و زحمتکش در دانشگاهها، مدارس و خیابانهای شهرهای مختلف کشور بودند که در مبارزه علیه تبعیض و ستم و برای برابری زن و مرد و آزادی و زندگی بهتر و رهایی از فقر و بیکاری و بی آیندهی به خیابانها آمدند و هزینه های بسیار سنگین دادند، اما همچنین وظیفه کارگران بزرگسال تر و کلیت جنبش کارگری نیز است که هم از فرزندانمان و آینده ای بهتر برایشان حمایت کنیم و هم به چالشهای پیش رویمان، از جمله در زمینه تشکل یابی، همه جانبه تر بپردازیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، چه قبل و نیز بدنبال خیزش زن زندگی آزادی تا به امروز بارها سیاستها و اقدامات سرکوبگرانه حکومت را محکوم کرده است. نیروهای امنیتی با سناریو سازهای نخ نما و تکراری تعداد زیادی از فعالین و نمایندگان کارگری و معلمی را در پیش و پس از روز جهانی کارگر ۱۴۰۱ بازداشت کردند و یا اتهامات و احکام سنگین در حبس نگه داشته اند، از جمله اعضای سندیکای ما. با وجود محدودیتهای بسیار بیشتر در اینمدت، همچون دیگر تشکلات کارگری و معلمی برای آزادی کارگران، معلمان و دیگر زندانیان سیاسی، و در راستای جلب حمایتهای داخلی و بین المللی توسط تشکلات جهانی کارگری، تلاش کرده ایم، و این اقدامات، هر چند با توجه به توانمان در ایندوره و اوضاع امنیتی موجود، محدود بوده اند، اما کماکان در حال پیگیری هستند. با اینوجود و در پایان این نوشته باز هم!

«تاکید و یادآوری میکنیم که «چاره کارگران و زحمتکشانشان وحدت و تشکیلات است

به امید برقراری عدالت در ایران و سراسر جهان،

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

شهریور ۱۴۰۲ ۳۱



بازداشت تعدادی از بازنشستگان مخابرات
برخی از بازنشستگان مخابرات در استان خراسان رضوی بازداشت شدند
بازداشت تعدادی از بازنشستگان مخابرات

به گزارش خبرنگار ایلنا، روز گذشته، دوشنبه ۳ مهر، تعدادی از بازنشستگان مخابرات به عدم توجه به مطالباتشان اعتراض و در چند استان تجمع برگزار کردند. از قرار معلوم در جریان این تجمعات؛ برخی از بازنشستگان در استان خراسان رضوی بازداشت شده‌اند. در همین رابطه، انجمن صنفی بخش خصوصی شرکت خدمات اول مخابرات منطقه فارس در نامه‌ای خواستار آزادی این بازنشستگان شد.



تداوم اعتراضات هفتگی بازنشستگان کشوری فشار تورم و گرانی و سقوط ارزش دستمزد و حقوق‌ها، بازنشستگان کشوری را که به امید افزایش حقوق توسط دولت از پیوستن به اعتراضات بازنشستگان کارگری و فرهنگی مردد بودند، وادار کرد که منتظر نمانند و مانند سایر بازنشستگان به اعتراض خیابانی بپیوندند. اعتراض خیابانی بازنشستگان کشوری که از چند هفته پیش شروع شد، در این هفته هم تداوم پیدا کرد.



بیانیه کمپین یکصد هزار امضا به مناسبت شروع سال تحصیلی و دعوت از همکاران برای پیشبرد سریعتر کمپین تا نتیجه مطلوب



... سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می شود که برخی از معلمان فهیم، مسئولیت پذیر و دلسوز که هر کدام مصداق عینی صفات بیان شده هستند به جرم مطالبه گری و حق طلبی و یا نقد و اظهار نظرهای مسئولانه در حوزه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی تربیتی گرفتار زندان، اخراج، بازخریدی و بازنشستگی اجباری، تبعید، انفصال از خدمت و دیگر مجازاتهای سراسر ناعادلانه شده اند. همچنین بسیاری از دانشجویان و برخی دانش آموزان که تربیت یافتگان حقیقی مکتب این معلمان در مدارس و دانشگاه بوده اند با روشهای ناشی از رویکردهای فراقانونی و یا حتی دوران ماقبل قانون یا گرفتار زندان شده اند و یا از حضور در دانشگاه و مدرسه محروم گردیده اند.

اعضای کمپین یکصد هزار امضا ضمن تبریک شروع سال تحصیلی، نخست به همه دانش آموزان و دانشجویان آگاه و بیدار و آینده سازان ایران و سپس به همکارانمان در مدارس و دانشگاه ها، اعلام میداریم که برای بهره بردن دانش آموزان و دانشجویان از کلاسهای درس این معلمان نمونه، متخصص، متعهد و کم نظیر و همچنین دفاع از حقوق انسانی، شهروندی، صنفی و قانونی دانش آموزان، دانشجویان و همکارانمان از طریق تداوم و سرعت بخشیدن به کمپین با تلاش بیشتر شما همکاران محترم پس از به پایان رساندن این مرحله از کمپین تا ۱۳ مهرماه (روز جهانی معلم) گام بعدی را به کمک معلمان مدارس و دانشگاه ها، دانشجویان، خانواده این عزیزان و سایر اقدشار جامعه برای فراهم ساختن زمینه رهایی همه آنها از بند و پایان دادن به پرونده سازی های مغرضانه و بازگشت افتخار آمیز تمامی دانشجویان، معلمان و احیاناً دانش آموزانی که گرفتار برخی محدودیت ها شده اند به کلاسهای درس در مدرسه و دانشگاه محکمتر، استوارتر و موثرتر از قبل برخواهیم داشت.

کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!

از اعتراضات و مطالبات بازنشستگان حمایت کنیم!

نابود باد استبداد و بی عدالتی، زنده باد آزادی و برابری

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>